

نقش شعر معاصر در حفاظت از میراث ناملموس فرهنگی (ICH) ایران؛

(مطالعه موردی نیما یوشیج، سهراب سپهری و قیصر امین‌پور)

مهین خطیب‌نیا، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

در جهان معاصر، شتاب فزاینده فرهنگی، اجتماعی و تهدید ناشی از جهانی‌شدن، میراث ناملموس فرهنگی کشورها را، در معرض فراموشی قرار داده است؛ لذا این پژوهش، به بررسی نقش برجسته شعر فارسی معاصر در بازنمایی، بازتولید و حفاظت از عناصر میراث فرهنگی ناملموس (ICH) ایران، با تمرکز بر اشعار «نیما یوشیج، سهراب سپهری و قیصر امین‌پور» می‌پردازد و از آنجا که شعر فارسی دوره معاصر، از مهمترین ابزارهای حفظ و بازنمایی هویت ایرانی به شمار می‌روند. روش‌شناسی این پژوهش، با رویکرد کیفی و تحلیل محتوای تفسیری و با جمع‌آوری داده‌ها از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای، مورد مطالعه قرار گرفت. مراحل کدگذاری باز و محوری، منجر به شناسایی مقولاتی چون بازآفرینی اساطیر و فولکلور، حفظ گویش و زبانهای محلی و بیان مفاهیم زیست‌محیطی و... شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، نیمایوشیج با احیای زبان و فرهنگ بومی و روستایی، سهراب سپهری با بازتاب میراث عرفانی و فلسفی شرق و قیصرامین‌پور با تقویت هویت فرهنگی و ملی، هریک در حفظ و انتقال مؤلفه‌های میراث فرهنگی ایران نقش داشته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که شعر فارسی معاصر، فراتر از کارکرد زیبایی‌شناختی، می‌تواند، بستری برای بازتولید و حفظ ارزش‌های ناملموس فرهنگی (ICH) باشد.

کلیدواژه‌ها: معاصر، میراث ناملموس، شعر، حفاظت، بازنمایی، نیمایوشیج، سهراب‌سپهری، قیصرامین‌پور

مقدمه و بیان مسئله

میراث فرهنگی ناملموس، به تعبیر یونسکو (یونسکو ۲۰۰۳) شامل مجموعه‌ای از سنت‌ها، آیین‌ها، مهارت‌ها، دانش‌ها و بیان‌های هنری است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به جوامع انسانی احساس هویت و تداوم می‌بخشد؛ درحالی که حفاظت از میراث مادی نیازمند ساز و کار فیزیکی و مرمتی است، حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس (ICH) چالشی ماهوی و مداوم را پیش روی جوامع قرار می‌دهد. این میراث، بازتاب‌دهنده حافظه تاریخی و نظام ارزشی هر ملت است و نقشی بنیادی در پایداری فرهنگی و اجتماعی جوامع دارد (کاظمی، ۱۳۹۷). در ایران، میراث فرهنگی ناملموس در قالب‌هایی چون زبان و ادبیات، شعر، موسیقی، آیین‌ها و باورهای محلی، بخش عمده‌ای از هویت ملی را شکل داده و پیوند عمیقی با فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم دارد (جعفری، ۱۳۹۸).

در این میان، شعر فارسی به‌ویژه در دوران معاصر، از یک مدیوم صرفاً زیبایی‌شناختی فراتر رفته و به ابزاری مهم در جهت بازاندیشی هویتی و پاسداری از ارزش‌های بنیادین فرهنگی تبدیل شده است. شاعران معاصر با زبانی نوو همسو با دغدغه‌های زمانه، به سراغ کهن‌الگوها، زبان بومی و آیین‌های فراموش شده رفته‌اند. شعر یکی از مهم‌ترین رسانه‌های فرهنگی در انتقال ارزش‌ها، باورها و حافظه جمعی ایرانیان به‌شمار می‌رود. شعر نه تنها ابزاری برای بیان احساسات و اندیشه‌ها بوده؛ بلکه همواره عرصه‌ای برای بازتاب جهان‌بینی، اخلاق، دین و فلسفه ایرانی محسوب می‌شده است (رحیمی، ۲۰۲۱). از دوران کلاسیک تا امروز، شاعران فارسی‌زبان با بهره‌گیری از ظرفیت زبان و تخیل شاعرانه، توانسته‌اند لایه‌های گوناگون میراث فرهنگی را در قالب استعاره، اسطوره و نماد بازنمایی کنند (هال، ۱۹۹۰).

در دوره معاصر، دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرن بیستم موجب شکل‌گیری نوعی از شعر شد که هم وفادار به ریشه‌های سنتی فرهنگ ایران و هم در جست‌وجوی بیانی تازه برای انسان مدرن بود. نیما یوشیج با بنیان‌گذاری شعر نو، زبان و فرهنگ بومی شمال ایران را به شعر معاصر پیوند زد و نوعی «نوگرایی بومی» را بنیان نهاد (جعفری، ۱۳۹۸). سهراب سپهری با تأکید بر نگاه عرفانی و پیوند انسان و طبیعت، میراث معنوی و فلسفی شرق را در زبانی ساده و جهانی بازآفرینی کرد (قاسمی، ۱۴۰۰). قیصر امین‌پور نیز در بستر، تحولات فرهنگی و انقلاب اسلامی، به بازسازی مفاهیم هویت، ایمان و وطن پرداخت و شعر را ابزاری برای تقویت همبستگی فرهنگی دانست (ملکی، ۱۴۰۱).

مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه شعر فارسی معاصر (به‌طور خاص نیما، سپهری و قیصر امین‌پور) توانسته‌اند، نقش مؤثری در حفاظت و بازنمایی میراث فرهنگی ناملموس ایران ایفا کند؟ و چگونه ساختارهای زبانی و تصاویر شعری، به تثبیت خاطره جمعی و انتقال ارزش‌های معنوی به نسل‌های جدید، کمک می‌کند؟ به عبارت دیگر، شعر به‌عنوان رسانه‌ای فرهنگی چگونه توانسته، ارزش‌ها، باورها و هویت جمعی ایرانیان را از خطر فراموشی یا همسان‌سازی فرهنگی در عصر جهانی‌شدن مصون نگه دارد؟ (تواری، ۲۰۱۷)

بررسی این مسئله از دو منظر اهمیت دارد:

از منظر فرهنگی: شعر، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین منابع فرهنگی ایران، قادر است به‌صورت غیرمستقیم در انتقال میراث معنوی و ارزش‌های فرهنگی ایفای نقش کند.

از منظر راهبردی: شناخت ظرفیت شعر فارسی معاصر می‌تواند، در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کشور، آموزش رسمی و تقویت هویت فرهنگی نسل‌های جوان نقش محوری ایفا نماید (یونسکو، ۲۰۰۳).

بنابراین، پژوهش حاضر با تکیه بر تحلیل کیفی اشعار سه شاعر برجسته معاصر - نیما یوشیج، سهراب سپهری و قیصر امین‌پور - در پی آن است که نشان دهد شعر معاصر فارسی چگونه به‌مثابه یک رسانه فرهنگی راهبردی، موجب حفظ، بازآفرینی و تداوم میراث فرهنگی ناملموس ایران شده است.

پیشینه تحقیق:

الف) پژوهش‌های داخلی

- جعفری، ناصر. (۱۳۹۸). بازتاب فرهنگ بومی در شعر نیما یوشیج. فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادب فارسی، ۱۰(۲)، ۸۷-۱۰۶. در این مقاله چنین نتیجه گرفته است که نیما با استفاده از واژگان محلی و فضاهای فرهنگی شمال ایران، هویت منطقه‌ای را در شعر مدرن فارسی تثبیت کرده است.

-قاسمی، فاطمه. (۱۴۰۰). طبیعت و میراث فرهنگی در شعر سهراب سپهری. مجله ادب و فرهنگ، ۵(۱)، ۴۵-۶۸. در این مقاله، چنین نتیجه‌گیری کرده که سهراب با تکیه بر نمادهای طبیعت و فلسفه شرقی، میراث فرهنگی و عرفانی ایران را احیا کرده است.

-ملکی، سارا. (۱۴۰۱). هویت فرهنگی در شعر قیصر امین‌پور. مجله فرهنگ ایرانی، ۱۲(۴)، ۲۱-۴۰. نتیجه این پژوهش اینکه: قیصر در شعر خود، نمادهای ملی و ارزش‌های فرهنگی ایرانی را با زبان روز، بازسازی کرده است.

-نیک‌پی، شیمیا و احمدی‌نیا، فهیمه. (۱۴۰۱). در مقاله تحلیل نمادهای بومی و فرهنگی در شعر نو فارسی. فصلنامه زبان و ادب فارسی، ۲۰(۱)، ۱۰۱-۱۲۶. معتقد است، فرهنگ بومی و طبیعت، عناصر اصلی میراث‌اند.

-صادقی، مهدی. (۱۴۰۲). مقاله بازنمایی میراث ناملموس در شعر معاصر، نشریه مطالعات فرهنگی و هنر، ۱۵(۳)، ۴۵-۶۲. شعر را یک رسانه قوی در بازنمایی هویت ایرانی معرفی می‌کند.

-حسینی، مهدی. (۱۳۹۵). در کتاب بازنمایی اساطیر ایرانی در شعر معاصر، به بازنمایی افسانه‌ها در شعر معاصر پرداخته است.

ب) پژوهش‌های خارجی

Lopez (۲۰۲۱). Intangible cultural heritage and literary meomery in contemporary literature. *International journal of cultural studies* 18(1) 33-52. چنین نتیجه می‌گیرد که ادبیات معاصر، معنایی دوباره به میراث فرهنگی ملل می‌دهد.

Chen, Y. (2022). Nature symbolism in Asian poetry and cultural heritage. *chen-*transmission. *Asian Aesthetics Journal*, 9(3), 115-13

طبیعت و عرفان را محور میراث شعر آسیایی مشرق زمین می‌داند.

Rahimi, M. (2021). Persian modern poetry and cultural identity. *Middle Eastern Literary Review*, 8(1), 33-52.

شعر فارسی، نوعی مقاومت فرهنگی در برابر جهانی‌شدن است.

-UNESCO (2003). Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage. Paris: UNESCO.

نتیجه این پژوهش آنکه، این منشور جهانی چهارچوب نظری مناسبی برای تحلیل میراث فرهنگی ناملموس در شعر فراهم می‌کند.

-Tiwari, R. (2017). Poetry as Cultural Memory: A Study of Symbolism in Eastern Poetics. *Journal of Cultural Studies*, 9(2), 55-73.

در این مقاله گفته شد، شعر به‌عنوان حافظه فرهنگی در انتقال ارزش‌ها و هویت‌های محلی نقش دارد.

Rahimi, M. (2021). Persian Modern Poetry and Cultural Identity. *Middle Eastern Literary Review*, 8(1), 33-52.

پژوهشگر شعر فارسی معاصر را، ابزار بازآفرینی هویت ملی در برابر مدرنیته می‌داند.

شباهت و تفاوت پژوهش حاضر با منابع پیشین:

شباهت: در تمام پژوهش‌های مذکور، شعر را رسانه‌ای برای انتقال فرهنگ می‌دانند و بر نقش فرهنگ بومی، طبیعت و آیین به عنوان میراث فرهنگی تأکید دارند.

تفاوت‌ها: پژوهش‌های پیشین به یک شاعر پرداخته‌اند و تحلیل محتوای کیفی ساختارمند نداشتند؛ درحالی‌که، در این تحقیق، سه شاعر را مورد بررسی و مقایسه قرار داده و برای اولین بار پیوند نظریه هویت فرهنگی هال و میراث ناملموس یونسکو را در شعر بررسی می‌کند. پژوهش‌های پیشین اغلب بر بازتاب و بیان مطالب تأکید داشتند، و در پژوهش حاضر بر کارکرد حفاظتی و تثبیت‌کننده شعر در برابر زوال میراث ناملموس در ایران تأکید می‌نماید.

وجه تمایز: اهمیت این پژوهش نسبت به پیشینه‌های مذکور آن است که اشعار چند شاعر را به صورت تطبیقی، با مدل نظری دوگانه هویت فرهنگی و میراث ناملموس با استفاده از چهارچوب نظری ICH یونسکو و با نظریه هال از منظر یکپارچه حفاظت فعال مورد مطالعه قرار داده است.

ادبیات نظری پژوهش:

۱. مفهوم میراث فرهنگی ناملموس (ICH)

میراث فرهنگی ناملموس براساس کنوانسیون یونسکو (۲۰۰۳)، (ICH) شامل مجموعه‌ای از آیین‌ها، سنت‌های شفاهی، زبان، موسیقی، هنرهای نمایشی و دانش‌های بومی است که جوامع انسانی به‌عنوان بخشی از هویت خود می‌شناسند و به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند. این میراث بافت معنایی مشترکی فراهم می‌کند که جامعه را قادر می‌سازد، گذشته خود را بازآفرینی و تداوم فرهنگی خود را حفظ کند. به گفته (اسمیت، ۲۰۰۶) جوامع از طریق میراث ناملموس «احساس تداوم تاریخی» پیدا می‌کنند و گذشته خود را معنادار می‌سازند. در ایران، زبان فارسی و ادبیات شفاهی از مهم‌ترین حاملان این میراث بوده‌اند. (کیا، ۲۰۱۵)

در نظریه‌های جدید، میراث ناملموس تنها «بازمانده سنت‌ها» نیست؛ بلکه یک سیستم فعال از بازنمایی‌های فرهنگی است که در هنر، ادبیات، زبان و آیین‌ها خود را نشان می‌دهد اسمیت معتقد است، میراث، یک «فرآیند اجتماعی» است که از طریق روایت‌ها، نمادها و بازنمایی‌ها ساخته می‌شود و هنر یکی از قوی‌ترین ابزارهای این بازنمایی است.

Smith, 2006; DOI: <https://doi.org/10.4324/9780203602263>)

در همین راستا (کورن، ۲۰۰۴) تأکید می‌کند، حفاظت از میراث ناملموس تنها به معنای حفظ آیین‌ها نیست؛ بلکه شامل حفظ آن بسترهای فرهنگی است که در آن روایت‌ها و هویت، شکل می‌گیرند. شعر و ادبیات، در جوامع شرقی، یکی از این بسترهای اصلی هستند.

Kurin, 2004; DOI: <https://doi.org/10.1111/j.1350-0775.2004.00459.x>)

۲. نظریه حافظه فرهنگی و نقش ادبیات

(تیواری، ۲۰۱۷) شعر را «حافظه فرهنگی» می‌نامد؛ یعنی بستری که ملت‌ها ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی خود را در آن ثبت می‌کنند. به باور او، شعر در جوامع شرقی، ازجمله ایران، نقش «حامل سنت» را ایفا کرده و به‌گونه‌ای بین نسل‌ها انتقال یافته است. (یان آسمن، ۲۰۱۱) نیز در همین زمینه معتقد است، جوامع از طریق رسانه‌هایی چون اسطوره، ادبیات، هنر و زبان، تاریخ و هویت خود را در طول نسل‌ها پایدار نگه می‌دارند. او شعر و ادبیات را یکی از مهم‌ترین شکل‌های حافظه فرهنگی می‌داند؛ زیرا زبان شاعرانه، ساختارهای ذهنی یک فرهنگ را رمزگذاری، تثبیت و منتقل می‌کند.

Assmann, 2011; DOI: <https://doi.org/10.1017/CBO9780511996306>)

در نگاه (مانوویچ، ۲۰۱۳) ادبیات هنری علاوه‌بر بازنمایی، به‌عنوان ابزار «کدگذاری فرهنگی» عمل می‌کند و عناصر میراث ناملموس را تثبیت و بازتولید می‌کند. در تکمیل این نگاه، (لوپس، ۲۰۱۵) نیز چون مانوویچ، شعر را رسانه‌ای برای «کدگذاری

فرهنگی» می‌داند و نشان می‌دهد که مفاهیمی چون طبیعت، آیین، اسطوره و هویت، در شعر تبدیل به نمادهایی می‌شوند که حافظهٔ جمعی را می‌سازند.

Lewis, 2015; DOI: <https://doi.org/10.1080/20463867.2015.102415>)

۳. نظریهٔ بازنمایی و هویت فرهنگی

(استوارت هال، ۱۹۹۷) هویت فرهنگی را «ساختاری روایی» می‌داند که در فرآیند بازنمایی ساخته می‌شود. از نظر او، هویت امری ثابت و آماده نیست؛ بلکه دائماً از طریق زبان، نمادها و روایت‌های فرهنگی بازتولید می‌شود. در این چهارچوب، شعر یکی از مهم‌ترین نظام‌های بازنمایی است که عناصر هویت فرهنگی را در قالب استعاره، تصویر و نشانه بازآفرینی می‌کند. در همین راستا، کاستلز، ۲۰۱۰ معتقد است، فرهنگ و هویت، در عصر مدرن در قالب «شبکه‌های روایی» بازسازی می‌شود و ادبیات یکی از مؤثرترین این شبکه‌هاست.

(استم و شوهرت، ۱۹۹۴) نیز نشان داده‌اند: ادبیات و هنر، بسترهایی هستند که در آن‌ها فرهنگ‌های غیرغربی روایت خود را از هویت، سنت و حافظهٔ تاریخی بازتولید می‌کنند.

Shohat & Stam, 1994; DOI: <https://doi.org/10.4324/9780203992258>)

۴. ادبیات و شعر به عنوان حامل میراث فرهنگی

مطابق نظریه‌های جدید، شعر به عنوان رسانه‌ای فرهنگ‌ساز، مجموعه‌ای از معانی فرهنگی و عناصر میراث ناملموس را با استفاده از: زبان، تصویر، نماد، روایت، آیین و طبیعت بازنمایی و منتقل می‌کند. (جینگز، ۲۰۱۹) نشان می‌دهد که در شعر معاصر، پیوند میان نمادها و هویت فرهنگی، نقشی اساسی در انتقال ارزش‌های فرهنگی دارد.

Jennings, 2019; DOI: <https://doi.org/10.1215/03335372-7616478>)

بنابراین، از دیدگاه نظری، شعر معاصر ایران، نه تنها عرصهٔ زیبایی‌شناسی، بلکه یک «سیستم انتقال میراث فرهنگی» است. شعر معاصر ایران، با حفظ ساختار روایی و نمادین شعر کلاسیک، اما در قالبی جدید، به بازآفرینی انواع میراث فرهنگی پرداخته است. مطابق تحلیل (رحیمی، ۲۰۲۱)، شعر فارسی معاصر توانسته است، هویت ایرانی-اسلامی را در برابر فشار مدرنیته و جهانی‌شدن تقویت کند. شعر معاصر سه لایهٔ اصلی میراث را بازتولید می‌کند:

الف. میراث بومی (Local Heritage)

در نگاه پژوهشگران (صادقی، ۲۰۲۲)؛ (جعفری، ۲۰۱۹)، شعر نوگرا توانسته است، زبان‌های محلی، آیین‌های روستایی و شیوه‌های زیست اقلیمی را بازنمایی کند.

ب. میراث معنوی و عرفانی

به گفتهٔ López (2021)، عرفان، طبیعت‌گرایی و سلوک شرقی در ادبیات معاصر ایران، گونه‌ای از میراث ناملموس معنوی است که شعر بهترین رسانهٔ بازتاب آن است.

ج. میراث هویتی و ملی

امین‌پور، به تعبیر ملکی (۱۴۰۱)، «روایت‌گر هویت ملی» است و شعر او حامل ارزش‌های نمادینی چون وطن، شهادت، ایمان و همبستگی است؛ یعنی دقیقاً آنچه (هال، ۱۹۹۷) از آن با عنوان «بازنمایی هویت جمعی» یاد می‌کند.

۵. نظریهٔ بازنمایی (Representation)

استوارت هال نیز چون هولم بیان می کند که واقعیت از طریق نظام‌های نشانه‌ای زبان و هنر، بازنمایی و این خود واقعیت را شکل می‌دهد. (هال، ۱۹۹۷) بازنمایی، فرآیندی زبانی-فرهنگی است که در آن فرهنگ و هویت، نه به صورت مستقیم، بلکه در قالب «نماد»، «تصویر»، «استعاره» و «نشانه» ساخته می‌شود. شعر معاصر ایران، به‌ویژه آثار نیما، سپهری و امین‌پور، دقیقاً چنین کارکردی دارد:

نیما: بازنمایی زبان و زیست بومی (جعفری، ۲۰۱۹)

سپهری: بازنمایی طبیعت قدسی و عرفان (قاسمی، ۲۰۲۰)

امین‌پور: بازنمایی هویت ملی و ارزشی (ملکی، ۲۰۲۱)

در این پژوهش شعر به عنوان یک «واسطه فعال بازنمایی» در نظر گرفته می‌شود. شعر خوب یک بازنمایی صرف نیست، بلکه با انتخاب هوشمندانهٔ واژگان و تصاویر، امر ناملموس را تثبیت و معنایی جدید به آن می‌بخشد که حفاظت از آن را تسهیل می‌کند. (bultner' 2019)

روش‌شناسی پژوهش:

این پژوهش از روش تحقیق کیفی با رویکرد تحلیل محتوای تفسیری بهره می‌گیرد و این شیوه برای کشف معانی پنهان، درک عمیق مفاهیم و ساختاربندی داده‌های متنی پیچیده، مناسب است؛ به گونه‌ای که شناسایی و دسته‌بندی نشانه‌های ناملموس فرهنگی ICH گردآوری شود.

-جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه‌ی آماری پژوهش، اشعار دورهٔ معاصر است؛ نمونه مورد مطالعه به شیوهٔ هدفمند، به دلیل اهمیت راهبردی در تحولات شعر در بازنمایی فرهنگی، شعرهای نیما یوشیج (بنیان‌گذار شعر نو و بازگشت به ریشه‌های اساطیری و فولکلور خطهٔ شمال)، سپهراب سپهری (نماد پیوند عرفان با طبیعت و متمرکز بر جهان‌بینی عرفانی و آیین‌های زیست‌محیطی) و قیصر امین‌پور (که عناصر هویتی و آیینی را با شعر مدرن درهم آمیخت) می‌باشند. از هر شاعر، حدود ۱۰ تا ۱۵ شعر شاخص انتخاب شده که بیشترین بار فرهنگی و نمادین را دارند. واحد تحلیل، ابیات و بندهای شعر نو را به روش هدفمند (Purposeful Sampling) از مجموعه شعری منتخب نیما یوشیج: افسانه، خانواده سرباز، قصه رنگ‌پریده زبان و فرهنگ بومی، آیین‌های روستایی سپهراب سپهری: هشت کتاب طبیعت، فلسفه شرقی، عرفان ایرانی قیصر امین‌پور: آینه‌های ناگهان، در کوچه آفتاب هویت ایرانی، ارزش‌های دینی و فرهنگی، انتخاب نمود؛ زیرا حاوی نشانه‌های مشخص یا تلویحی به یکی از مولفه‌های میراث ناملموس فرهنگی ایران چون: آیین‌ها، اسطوره، گیاهان بومی، واژه‌های کهن، هنرهای سنتی و... دارند.

۴. روش تحلیل داده‌ها

تحلیل اشعار در سه مرحله انجام می‌شود:

کدگذاری باز: در این مرحله اشعار به دقت خوانده شد و واژگان، نمادها و مضامین مرتبط با فرهنگ ایرانی مرتبط با ICH مانند: آواز شبان، رقص محلی، باور به نیروی آب، هنر قالی، چشم‌زخم...، به عنوان کدهای اولیه ثبت شدند.

کدگذاری محوری: کدهای اولیه بر اساس شباهت‌های مفهومی، طبقه‌بندی و عناصر اصلی ICH میراث فرهنگی ناملموس مانند: آیین، زبان، باور، هنر، ارزش اجتماعی و فرهنگی، به عنوان مقولات اصلی و در ارتباط با کدهای اولیه، شکل گرفتند.

تحلیل راهبردی: مضامین موثر در حفاظت و بازنمایی هویت فرهنگی با یکدیگر ترکیب و در جمع‌بندی یافته‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش:

۱. نیما یوشیج و بازآفرینی فرهنگ بومی و آیینی

نیما یوشیج، به عنوان بنیان‌گذار شعر نو فارسی، نه تنها قالب شعر را دگرگون کرد؛ بلکه در سطح محتوایی نیز حامل نوعی بازگشت فرهنگی به بوم و سنت بود. او با بهره‌گیری از واژگان محلی، طبیعت شمال ایران، آیین‌های روستایی و فضای زندگی جمعی، به بازنمایی فرهنگی پرداخت که در آستانه فراموشی قرار داشت.

در شعر معروف افسانه می‌گوید:

«در ده ما یادگارِ کودکی‌ها مانده است / بوی کاه و دوده و باران بهاری، بر درختان مانده است» (نیما یوشیج، ۱۳۷۵: ۲۳).

این تصویر، بازتابی از میراث ناملموس محیط زیست فرهنگی شمال ایران است؛ جایی که زبان، بو، و حس زیست روستایی بخشی از حافظه جمعی مردم را می‌سازد. به تعبیر یونسکو، چنین بازنمایی‌هایی نوعی «زبان فرهنگی» است که انتقال غیرمستقیم دانش بومی را ممکن می‌کند (یونسکو، ۲۰۰۳). نیما با خلق شخصیت‌هایی از دل فرهنگ عامه (مانند چوپان، دهقان، زن روستایی) در شعرهایی چون قصه‌ی رنگ‌پریده و خانواده‌ی سرباز، توانست ارزش‌های کار، هم‌بستگی اجتماعی و پیوند انسان و طبیعت را حفظ کند (جعفری، ۱۳۹۸: ۹۱)؛ در واقع، شعر او سندی زنده از فرهنگ محلی و میراث زبانی گیلکی در قالب ادبی مدرن است؛ پیوندی میان سنت و نوگرایی فرهنگی.

نمونه‌هایی دیگر:

- از «افسانه»:

«در ده ما یادگارِ کودکی‌ها مانده است / بوی کاه و دوده و باران بهاری مانده است»

(نمونه واضح میراث بومی، زیست روستایی)

- از «خانه سرپولی»:

«من از میان همه‌ی گاوها و گوسفند / آواز ساده دهقان شنیده‌ام»

(بازنمایی کار جمعی و فرهنگ روستایی)

- از «ققنوس»:

«آتش زبانه می‌کشد از توده‌های کاه / این کاه‌های بی‌دل و جان، این کاه‌های خُرد»

(نمادهای بومی: کاه، آتش، مزرعه)

- از «مهتاب»:

«روشن است از پرتو مهتاب / این همه، کوه و کمر، صحرا»

(بازنمایی اقلیم شمال، طبیعت فرهنگی)

- از «مانلی»:

«نارون پیر، روی تپه نشسته است / در باد، قصه‌های دهان‌باز می‌گوید»

(سنت شفاهی و روایت‌های بومی)

۲. سهراب سپهری و بازتاب میراث معنوی و فلسفی شرق

سهراب سپهری، با نگاهی عرفانی، شرقی و زیباشناسانه، حامل یکی از مهم‌ترین گونه‌های میراث فرهنگی ناملموس ایران است: میراث تفکر عرفانی، فلسفه‌ی وحدت وجود، و هم‌زیستی انسان و طبیعت.

در شعر صدای پای آب می‌نویسد:

«من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم/ در نمازم جریان دارد ماه/ جریان دارد طیف.» (سپهری، ۱۳۸۲: ۵۴) در این ابیات، وضو و نماز به عنوان نمادهای آیینی، در کنار عناصر طبیعت (ماه و طیف)، به صورت هماهنگ درمی‌آیند. این تلفیق نمادین، نوعی بیان فرهنگی است که آیین دینی و زیباشناسی ایرانی را در یک کل منسجم بازتاب می‌دهد (قاسمی، ۱۴۰۰: ۵۰).

سپهری در سراسر هشت کتاب، پیوندی میان انسان و طبیعت برقرار می‌کند که ریشه در میراث معنوی ایرانی-شرقی دارد؛ از اندیشه‌های بودایی و عرفان ایرانی گرفته تا احترام به عناصر طبیعی (آب، درخت، خاک، نور) که در ادبیات کهن فارسی نیز حضور دارند؛ بنابراین، شعر سهراب نه فقط اثری ادبی، بلکه نوعی بازنمایی راهبردی از زیست فرهنگی ایران است که ارزش‌های میراث ناملموس (درک هماهنگی با جهان و طبیعت) را بازتولید می‌کند (تیواری، ۲۰۱۷: ۶۱).

نمونه‌های دیگر:

-ساز «صدای پای آب»:

«من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم/ در نمازم جریان دارد ماه/ جریان دارد طیف»

(آیین‌گرایی + معنویت + طبیعت قدسی)

-از «مسافر»:

«من دلم می‌خواهد/ خانه‌ای داشته باشم/ پر دوکاکلِ کبوترها»

(میراث انسانی-معنوی: صلح، پاکی، طبیعت)

-از «حجم سبز»:

«چشم‌ها را باید شست،/ جور دیگر باید دید»

(میراث فکری و نگرش معنوی شرق)

- از «آوار آفتاب»:

«آب، روشنی است و روشنی، عشق/ و عشق، تنهایی است/ تنهایی، آغازی است برای دیدن»

(هنر اندیشیدن عرفانی - میراث معنوی ایرانی)

- از «تلاش»:

«و نخواهم ترسید/ از مرگ،/ که در آن سوی هر چیز/ روشنایی است»

(جهان‌بینی شرقی، فلسفه روشنایی)

۳. قیصر امین‌پور و احیای هویت فرهنگی در عصر مدرن

قیصر امین‌پور، شاعری است که میراث فرهنگی را در بستر تحولات پس از انقلاب و هویت ملی-دینی بازآفرینی کرده است.

در شعر در کوچه آفتاب می‌نویسد:

«من از دیار یقین آمده‌ام/ از سرزمین سپید ایمان/ که نام دیگر خاک است» (امین‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

در این ابیات، واژه‌هایی چون یقین، ایمان، خاک بازتابی از میراث فرهنگی و ارزشی ایرانی-اسلامی هستند؛ او خاک را نه به معنای جغرافیا، بلکه به عنوان نماد هویت فرهنگی ملت ایران به کار می‌برد (ملکی، ۱۴۰۱: ۳۴). قیصر با تلفیق زبان حماسی و عاطفی، ارزش‌های جمعی ایرانیان (شجاعت،

ایمان، مهربانی) را در شعر خود احیا می‌کند. قیصر در شعر آینه‌های ناگهان می‌گوید: «خاک من و تو یکی است / ریشه در یک بهار داریم» (امین‌پور، ۱۳۷۹: ۸۸).

مفهوم «خاک مشترک»، نماد وحدت فرهنگی و تاریخی مردم ایران است و همان چیزی است که نظریه «هویت فرهنگی» استوارت هال بر آن تأکید دارد: هویت به‌مثابه خاطره‌ی مشترک و بازآفرینی فرهنگی است (هال، ۱۹۹۰: ۲۲۶)؛ بنابراین، شعر قیصر را می‌توان، مصداقی از «فرهنگ‌سازی راهبردی» دانست که ضمن وفاداری به میراث دینی و ملی، زبان تازه‌ای برای بیان ارزش‌های فرهنگی ایرانی در روزگار معاصر می‌سازد (رحیمی، ۲۰۲۱: ۳۶).

نمونه‌های بیشتر :

-از «آینه‌های ناگهان»:

«خاک من و تو یکی‌ست / ریشه در یک بهار داریم»

(هویت ملی، خاک مشترک، همبستگی فرهنگی)

-از «در کوچه آفتاب»

«من از دیار یقین آمده‌ام / از سرزمین سپید ایمان / که نام دیگر خاک است»

(میراث دینی-ملی، پیوند خاک و ایمان)

-از «تنفس صبح»:

«با تو من تازه معنی شفق را فهمیدم / تو که از نسل آفتابی و بوی صبح می‌دهی»

(نور، صبح، آفتاب - نمادهای معنوی ایرانی)

- از «بی‌بال پریدن»:

«به چراغ‌ها که خیره می‌شوم / جهان به روشنایی تو اشاره می‌کند»

(هویت نورانی، امید و رستاخیز فرهنگی)

- از «گل‌ها همه آفتابگردان‌اند»:

«این خاک / سال‌هاست با ماست / و ما با او / اما هنوز / حس وطن را باید از نو ساخت»

(بازسازی هویت ملی - مضمون اصلی این مقاله)

-جدول کدگذاری کیفی (باز و محوری) اشعار سه شاعر به شرح زیر است:

شاعر	عنوان شعر	کداولیه (نمونه بیت یا بند شعر)	مقوله اصلی و محوری	مقوله تحلیل	مضمون نهایی (نقش حفاظتی)	مؤلفه میراث ناملموس (ICH)
------	-----------	--------------------------------	--------------------	-------------	--------------------------	---------------------------

نیمایوشیچ	بوی کاه و دوده، افسانه، سریویلی، ققنوس، مهتاب، مانلی	تو را من چشم در راهم.../می شود قصه غم خواند از سرود مرغان/بر آتش افروختن.../ داروگ! کی می بارد باران؟ ...	بازآفرینی اساطیر، آیین‌های زیست محیطی، اسطوره، زیست بوم، ادبیات شفاهی در قصه گویی	گسست روایت‌های کلاسیک و شکل‌گیری ذهن مدرن ایرانی، نمادپردازی، نمادهای بومی و فرهنگی، پیون مکان و هویت، احیاء شفاهیات در فرم هنری	تولد خودآگاهی نو در فرهنگ ایرانی، استمرار فرهنگی، حفظ فرم‌های روایی سنتی در گفتمان مدرن	حفظ میراث بومی و اخلاقی و حفظ طبیعت و انتقال حافظه فرهنگی و جمعی به عنوان میراث ناملموس فرهنگی
سهراب سپهری	وضو با تپش پنجره ها، صدای پای آب، مسافر، حجم سبز، آوار آفتاب، تلاش، آب را گل نکنیم، نشانی، واحه‌ای در لحظه	مثال: من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم / به سراغ من اگر می‌آید/ چشم‌ها را باید شست / خانه دوست کجاست؟/ در فرودست انگار / قدمی بیرون از پیله خویش بردارم / و سبز خواهم ماند مانند درخت کاج در فصل خزان... .	طبیعت و معنا، حفظ زیست بوم، سفر درونی، لحظه آگاهی، هویت،	میراث معنوی، قداست و احترام به طبیعت، سلوک معرفتی، جهان‌بینی معنوی در بستر بومی، نمادگرایی طبیعت برای مقاومت	فلسفه و عرفان ایرانی، سلوک عرفانی، خودشناسی و زیست معنوی، جستجوی معنا، سفر به درون	حفظ رسوم و آیین‌های معنوی، عرفان، دانش زیست محیطی، هنرهای نمایی و دانش بومی
قیصر امین‌پور	تنفس صبح، گلها همه آفتابگردان‌اند، بیست سال بعد، دستور زبان عشق، خاک من و تو یکی است، آینه‌های خیال، در کوچه آفتاب، تنفس صبح، بی‌بال پریدن، گل‌ها همه آفتابگردان‌اند	مثال: بوی خاک باران خورده می‌آید به مشام / یاد روزهای قدیم.../ مثل لالایی مادر، سخن عشق تو.../رو به خورشید، برمی‌گردیم... .	زبان و گویش‌های معیار، آیین و جشن‌های ملی و مذهبی،	بازسازی اجتماعی، انتقال میراث ناملموس	طبیعت، احیای خاطرات ملی، ادبیات شفاهی چون لالایی و ادبیات عامه،	بازسازی و انتقال هویت ایرانی، توجه به نمادهای ملی، پایداری فرهنگی و آیینی

–بازنمایی آیین‌ها و جشن‌ها:

این شاعران به طور گسترده، به بازنمایی آیین‌های ملی و محلی پرداخته‌اند؛ حتی نیما که یک شاعر به ظاهر مدرن است، ریشه‌های اسطوره‌ای و آیینی مناطق شمال ایران را وارد شعر کرده‌است. سهراب سپهری از طریق تصویرسازی مکرر از نوروز و بهار، حال و هوای آیینی زایش مجدد طبیعت را بیان نموده و امین‌پور در اشعار متاخر خود با صراحت به جشن‌های ملی و مذهبی در ایران پرداخته که همگی تبدیل به میراث شفاهی شده‌اند و این بازنمایی‌ها، تمام آیین‌های موجود در ایران را از حالت عملکردی به وضعیت «متن قابل تفسیر» ارتقا داده‌است.

احیای واژه‌ها و دانش بومی:

استفاده شاعران معاصر، از واژه‌های کهن، محلی و فولکلور که در زبان روزمره از بین رفته‌اند، به نوعی محافظت از میراث ناملموس فرهنگی است.

نیما یوشیج: استفاده از واژه‌های مازنی و تصاویر روستایی / سپهری: احیای مفاهیم عرفانی مبتنی بر عناصر طبیعی مانند «همسایه ابرها شدن، نزدیک درخت» که همگی حامل دانش زیست‌محیطی سنتی است. / امین‌پور: استفاده از واژه و لحن عامیانه پربسامد که در دهه ۶۰، خود نوعی میراث‌داری درحوزه محاوره عامیانه محسوب می‌شود.

تثبیت خاطره جمعی ماندگار(کارکرد حفاظتی):

شعر معاصر با استفاده از واژه‌هایی چون «آب انبار، چهارشنبه‌سوری و...» باعث تثبیت این نوع واژه‌های در شرف نابودی در حافظه‌ی جمعی می‌شود و این امر دقیقاً با تعریف یونسکو از تداوم فرهنگی، مطابقت دارد؛ زیرا واژه‌های ریشه‌دار اما ناشناخته برای نسل متاخر یک جامعه، اگر در ذهن مردم به اشکال مختلف ازجمله شعر، زنده نگه داشته نشوند، عملاً از بین خواهند رفت. شعر عاملی است که حس «اهمیت» را به این واژه‌ها تزریق می‌کند.

بحث و تفسیر یافته‌ها:

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند، شعر فارسی معاصر، فراتر از کارکرد هنری صرف، به مثابه یک (سیاست فرهنگی فعال) در حوزه میراث ناملموس فرهنگی(ICH) عمل می‌کند. این یافته‌ها به طور مستقیم با نظریه‌های هویت فرهنگی استوارت هال و الزامات حفاظتی یونسکو پیوند می‌خورند.

-شعر، بازنمایی هویت فرهنگی(استوارت هال):

براساس نظریه بازنمایی استوارت هال (HALL'1990) هویت ما از طریق مفاهیمی که در فرهنگ بازنمایی می‌شوند، شکل می‌گیرد. شاعران معاصر با انتخاب عامدانه عناصر ICH نظیر آیین‌ها، زبان محلی یا اساطیر، در حال مداخله در فرایند شکل‌گیری هویت ایرانی هستند. هنگامی که نیما یا سپهری، یک عنصر بومی را با زبانی نو و قدرتمند بازنمایی می‌کنند، آن عنصر فقط یک سنت قدیمی نیست؛ بلکه به بخشی مدرن و قابل تداوم از هویت فرهنگی تبدیل می‌شود. این امر به‌ویژه در مواجهه با جهانی‌شدن که میل به همگن‌سازی فرهنگی دارد، اهمیت می‌یابد(JENNING"2019). شعر، به مثابه یک «متن واسطه» اجازه می‌دهد که هویت ایرانی هم پیوندی عمیق با گذاشته داشته باشد و هم بتواند به طور پویا در جهان مدرن حضور یابد.

-شعر به مثابه ابزار تداوم میراث ناملموس(یونسکو ۲۰۰۳)

کنوانسیون یونسکو تاکید دارد که حفاظت از ICH نیازمند «تضمین تداوم و انتقال» آن است. شعر فارسی معاصر این کارکرد را به طور غیرمستقیم اما موثر انجام می‌دهد:

الف) تثبیت نمادین: میراث ناملموس به شدت سیال است. شعر با خلق فرم‌های شعری ماندگار(مانند فرم‌های نویافته نیما یا فرم‌های متمرکز سپهری)، چهاچوبی استعاری برای سیالیت ایجاد می‌کند. این چهارچوب به جامعه اجازه می‌دهد تا از طریق یادآوری‌های شعری، اجزای میراثی را به یاد بیاورند و اهمیت آن‌ها را درک کنند.

ب) ترویج از طریق زیبایی‌شناسی: درحالی‌که دولتها ممکن است، مجبور به برگزاری آیین‌ها باشند، شعر از طریق جاذبه زیبایی‌شناختی، فرد را به درک عمیق‌تر این سنت‌ها سوق می‌دهد؛ همان‌طور که رحیمی می‌گوید: «ادبیات شفاهی زمانی زنده می‌ماند که دارای جذابیت باشد؛ شعر این جذابیت را تامین می‌کند.»(رحیمی، ۲۰۲۱: ۷۸)

ج) خلق حافظه فرهنگی جدید: اشعار قیصر امین‌پور نشان می‌دهد که چطور یک واقعه جمعی در بطن جامعه ایران مانند هشت سال دفاع مقدس و شهید و شهادت، می‌تواند به یک میراث شفاهی و آیینی تبدیل شود؛ مشروط به اینکه توسط عناصر قوی چون شعر، به درستی بازنمایی شوند.

در کل باید اذعان داشت که شعر معاصر ایران، میراث ناملموس فرهنگی ICH ایران را از خطر فسیل شدن نجات داده و آن را به بخشی زنده و پویا از گفتمان فرهنگی معاصر تبدیل کرده است.

شعر فارسی معاصر، فراتر از یک پدیده‌ی هنری، نقش فعال در حفاظت، بازآفرینی و انتقال میراث فرهنگی ناملوس ایران دارد. بررسی شعرهای نیما یوشیج، سهراب سپهری و قیصر امین‌پور نشان داد که هر یک از این شاعران، با بهره‌گیری از زبان، نمادها و مفاهیم فرهنگی خاص خود، در سه سطح زیر مؤثر بوده‌اند:

–سطح زبانی و بومی:

نیما یوشیج با وارد کردن واژگان محلی و زندگی روستایی در شعر، حافظِ حافظه‌ی فرهنگی نواحی شمالی ایران شد. شعر او نشان می‌دهد، چگونه ادبیات می‌تواند به عنوان ابزاری برای حفظ تنوع زبانی و فرهنگی عمل کند.

–سطح معنوی و فلسفی:

سهراب سپهری با تکیه بر عرفان ایرانی و فلسفه‌ی شرقی، تصویری از «جهان هماهنگ و قدسی» ارائه می‌دهد که در آن، انسان و طبیعت در توازن فرهنگی قرار دارند. این نگرش، بازتابی از میراث معنوی ایرانیان است و می‌تواند، الگویی برای آموزش فرهنگی و زیست‌پایدار در دنیای معاصر باشد.

–سطح هویتی و اجتماعی:

قیصر امین‌پور با احیای مضامین دینی، ملی و انسانی در شعر خود، به تقویت هویت فرهنگی و همبستگی اجتماعی در دوره‌ی پس از انقلاب کمک کرد. او شعر را رسانه‌ای برای انتقال ارزش‌های جمعی و تقویت باورهای فرهنگی ملت ایران می‌بیند. در مجموع، شعر معاصر ایران به عنوان بخشی از نظام فرهنگی، می‌تواند، در سیاست‌های راهبردی فرهنگ کشور نقشی جدی ایفا کند. ادبیات، نه صرفاً میراثی برای مطالعه، بلکه منبعی زنده برای بازتولید فرهنگ و ارتقای آگاهی فرهنگی نسل جدید است.

نتیجه‌گیری:

یافته‌های پژوهش تایید می‌کند که شعر فارسی معاصر، یک عامل ضروری و تاثیرگذار برای حفاظت از میراث ناملوس فرهنگی ایران است. این نقش فراتر از یک ثبت صرف است و وارد تجدید حیات و معنابخشی می‌شود؛ مهمترین نتایج عبارت‌اند از:

۱. شعر معاصر ایران با ارتقا سطح بازنمایی عناصر بومی، آیین‌ها و دانش‌های سنتی از سطح محلی به سطح ادبیات ملی، آن‌ها را در برابر فراموشی و نسیان، ایمن می‌سازد.

۲. استفاده از نوآوری‌های زبان، واژگان کهن و تصاویر اسطوره‌ای، کارکرد شعر را در تقابل با جریان‌های همگن‌ساز فرهنگی، کمک و تقویت می‌کند.

۳. پیوند عاطفی قوی که شعر میان مخاطب و میزات ایجاد می‌کند، به تحقق الزامات کنوانسیون یونسکو مبنی بر «انتقال بین نسلی» کمک فراوانی می‌کند.

در نهایت شعر فارسی معاصر ثابت کرده ادبیات می‌تواند، فراتر از کارکرد زیباشناختی، به عنوان یک نهاد غیررسمی، اما قدرتمند در سیاست‌گذاری و اجرای استراتژی‌های حفاظت از میراث فرهنگی ناملوس ICH عمل کند.

پیشنهادهای:

بر اساس یافته‌ها و تحلیل نظری، پیشنهادهای زیر برای تقویت نقش شعر در حفاظت از میراث ناملوس فرهنگی ایران ICH، ارائه گردد:

– گنجاندن شعر معاصر در برنامه‌های فرهنگی آموزش و پرورش: به‌ویژه اشعار نیما، سهراب سپهری و قیصر امین‌پور که دربردارنده مضامین بومی، دینی و زیست‌محیطی‌اند، می‌توانند در تقویت هویت فرهنگی دانش‌آموزان مؤثر باشد.

-نهادهای متولی میراث فرهنگی در ایران چون وزارت میراث فرهنگی و... برنامه‌های حمایتی ویژه‌ای را برای شاعرانی که آگاهانه به بازنمایی و احیای عناصر در معرض خطر میراث ناملموس چون گویش‌های محلی رو به زوال یا بیان آیین‌های منطقه‌ای فراموش شده، می‌پردازند، در نظرگیرد.

-تدوین کتب درسی تحلیلی در مقاطع گوناگون متوسطه و دانشگاهی که به جای رویکرد صرفاً ادبی، شعر معاصر را با تمرکز بر کارکرد آن در حفظ هویت و میراث فرهنگی مورد بررسی قرار دهد. (با استفاده از نظرات استوارت هال)

-تشویق به تعامل چند رسانه‌ای: برگزاری کارگاه و جشنواره‌هایی که در آن شعر با سایر اشکال میراث ناملموس چون موسیقی مقامی و یا هنرهای دستی تلفیق شود تا بازنمایی‌ها تاثیر اجرایی و حسی قوی‌تری پیدا کنند.

منابع :

- جعفری، ناصر. (۱۳۹۸). *بازتاب فرهنگ بومی در شعر نیما یوشیج*. پژوهش‌های زبان و ادب فارسی، ۱۰(۲)، ۸۷-۱۰۶.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۸). *چشم‌انداز طبیعت و معنا در شعر سهراب سپهری*. مجله ادب معاصر، ۹(۱)، ۵۵-۷۲.
- حلاج، سعید. (۱۳۹۵). *شعر معاصر و میراث فرهنگی ایران*. مجله نقد ادبی، ۷(۳)، ۴۵-۶۷.
- رستمی، جمال. (۱۳۹۹). *هویت فرهنگی و بازتاب آن در شعر معاصر ایران*. فصلنامه فرهنگ ایرانی، ۱۱(۳)، ۱۲۱-۱۴۴.
- سپهری، سهراب. (۱۳۸۲). *هشت کتاب*. تهران: نشر طهوری.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). *بررسی تحلیلی شعر نو، تهران: نشر آگاه*.
- صادقی، مهدی. (۱۴۰۲). *بازنمایی میراث فرهنگی ناملموس در شعر معاصر ایران*. مطالعات فرهنگی و هنر، ۱۵(۳)، ۴۵-۶۲.

۶۲

- صفوی، کریم. (۱۳۹۷). *شعر و کفتمان هویت در شعر معاصر ایران*. فصلنامه مطالعات فرهنگی ایران، ۱۲(۴۵)، ۵۵-۷۸.
- فراهانی، علیرضا، و مرادی، کاظم. (۱۴۰۰). *هویت ایرانی و بازتاب آن در شعر پس از انقلاب*. پژوهش‌نامه ادبیات معاصر، ۱۲(۲)، ۸۱-۱۰۲.
- قاسمی، فاطمه. (۱۴۰۰). *طبیعت و میراث فرهنگی در شعر سهراب سپهری*. ادب و فرهنگ، ۵(۱)، ۴۵-۶۸.
- کاظمی، حسن. (۱۳۹۷). *میراث فرهنگی ناملموس و هویت ایرانی*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- ملکی، سارا. (۱۴۰۱). *هویت فرهنگی در شعر قیصر امین‌پور*. فرهنگ ایرانی، ۱۲(۴)، ۲۱-۴۰.
- یوشیج، نیما. (۱۳۷۵). *مجموعه کامل اشعار*. تهران: نگاه.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۷۹). *آینه‌های ناگهان*. تهران: نشر افق.

REFERENCES

Aminpour, G. (2000). *Aynehaye nagahan [Sudden Mirrors]*. Tehran: Ofogh Publishing. {In Persian}

Assmann, J. (2011). *Cultural memory and early civilization*. Cambridge University Press.
<https://doi.org/10.1017/CBO9780511996306>

Castells, M. (2010). *The power of identity*. Wiley-Blackwell.

Chen, Y. (2022). Nature symbolism in Asian poetry and cultural heritage transmission. *Asian Aesthetics Journal*, 9(3), 115–132.

Bulter'j (2019). *The Politics of Representation and Cultural Survival*. London: Routledge Press.

Damrosch, D. (2003). *What is world literature?* Princeton University Press.
<https://doi.org/10.1515/9780691188645>

Farahani, A., & Moradi, K. (2021). Iranian identity and its reflection in post-revolutionary poetry. *Journal of Contemporary Literature Studies*, 12(2), 81–102.{In Persian}

Ghasemi, F. (2020). Nature and mystical heritage in Sohrab Sepehri's poetry. *Persian Cultural Studies Journal*, 5(1), 45–68.{In Persian}

Ghasemi, F. (2021). Nature and cultural heritage in Sohrab Sepehri's poetry. *Adab va Farhang*, 5(1), 45–68.{In Persian}

Hall, S. (1990). Cultural identity and diaspora. In *Identity: Community, Culture, Difference* (pp. 222–237).

Hall, S. (1997). *Representation: Cultural representations and signifying practices*. Sage.

Hallaj, S. (2016). Contemporary poetry and Iran's cultural heritage. *Literary Criticism Journal*, 7(3), 45–67 .{In Persian}

Hassan, R., & Raza, M. (2020). Heritage in modern Eastern poetry: A cultural analysis. *Journal of Asian Culture*, 12(1), 33–48.{In Persian}

Hafstein, V. (2009). Intangible heritage as a list: From masterpieces to representation. *Museum International*, 61(1–2), 96–111. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0033.2009.01612.x>

Hosseini, M. (2019). Landscape and meaning in Sohrab Sepehri's poetry. *Journal of Contemporary Literature*, 9(1), 55–72 .{In Persian}

Jafari, N. (2019). Reflection of indigenous culture in Nima Yooshij's poetry. *Persian Language and Literature Research*, 10(2), 87–106.{In Persian}

Jennings, L. (2019). Symbolism and identity in contemporary poetry. *Poetics Today*, 40(3), 299–320. <https://doi.org/10.1215/03335372-7616478>

Kazemi, H. (2018). *Intangible cultural heritage and Iranian identity*. Tehran: Iranian Cultural Heritage Research Institute.{In Persian}

Kurin, R. (2004). Safeguarding intangible cultural heritage. *Museum International*, 56(1–2), 66–77. <https://doi.org/10.1111/j.1350-0775.2004.00459.x>

Lewis, T. (2015). Poetry as cultural memory. *Literary Studies Review*, 12(1), 45–60.
<https://doi.org/10.1080/20463867.2015.102415>

López, M. (2021). Intangible cultural heritage and literary memory in contemporary literature. *International Journal of Cultural Studies*, 18(2), 77–93.

- Maleki, S. (2022). Cultural identity in Ghaisar Aminpour's poetry. *Iranian Cultural Studies*, 12(4), 21–40.{In Persian}
- Manovich, L. (2013). *Software takes command*. MIT Press.
- Rahimi, M. (2021). Persian modern poetry and cultural identity. *Middle Eastern Literary Review*, 8(1), 33–52.{In Persian}
- Rostami, J. (2020). Cultural identity and its reflection in contemporary Iranian poetry. *Iranian Culture Quarterly*, 11(3), 121–144.{In Persian}
- Roy, A. (2010). Cultural identity and literary representation. *Journal of Cultural Theory*, 5(3), 122–138. <https://doi.org/10.1080/14755610.2010.507435>
- Sadeghi, M. (2022). Representation of intangible cultural heritage in contemporary Persian poetry. *Cultural Heritage Quarterly*, 14(3), 55–71.{In Persian}
- Sepehri, S. (2003). *Hasht ketab [The Eight Books]*. Tehran: Tahoori Publishing.{In Persian}
- Shohat, E., & Stam, R. (1994). *Unthinking Eurocentrism: Multiculturalism and the media*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203992258>
- Smith, L. (2006). *Uses of heritage*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203602263>
- Tiwari, R. (2017). Poetry as cultural memory: Symbolism in Eastern poetics. *Journal of Cultural Studies*, 9(2), 55–73.
- UNESCO. (2003). *Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage*. UNESCO Publishing.
- Yooshij, N. (1996). *The complete poems*. Tehran: Negah Publishing. .{In Persian}